

پیش‌بینی نقش ممانعت از پرداخت مالیات بر ایجاد امپراتوری مدیریتی در بازار سرمایه ایران

علی باغانی

استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران

زهره محمودجانلو

دانشجوی دکتری مهندسی مالی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران

چکیده

فرار مالیاتی جزء اصلی فعالیت‌های زیرزمینی بوده و توسعه بازار سرمایه به عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد هر کشور می‌تواند میزان آن را تحت تأثیر قرار دهد. لذا هدف کلی تحقیق حاضر تعیین پیش‌بینی نقش ممانعت از پرداخت مالیات بر ایجاد امپراتوری مدیریتی در بازار سرمایه ایران می‌باشد. بر این اساس، داده‌های ۱۵۳ شرکت فعال در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله سالهای ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. روش آماری این پژوهش رگرسیون چندمتغیره است. برای آزمون فرضیه پژوهش از مدل پانل دیتا و روش حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده شده است. این پژوهش از نوع مطالعات پس رویدادی بوده که بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌های مشاهده شده، انجام شده است. نتایج تحلیل‌ها نشان داد ممانعت از پرداخت مالیات بر ایجاد امپراتوری مدیریتی در بازار سرمایه ایران تأثیر مستقیم دارد.

واژگان کلیدی: ممانعت از پرداخت مالیات، ایجاد امپراتوری مدیریتی، بازار سرمایه ایران

مقدمه

با توجه به بانک محور بودن تامین مالی در اقتصاد کشور از یک سو و عدم بنیه مالی مکفی بانکها به منظور ایفای نقش کارآمد در نظام تامین مالی کشور از سوی دیگر، ضرورت ارتقای نقش بازار سرمایه در حوزه تامین مالی بیش از پیش نمایان است. به عنوان یک جمع بندی کلی با وجود رشد قابل توجه تامین مالی بنگاه های از طریق بازار سرمایه که متناسب با آن پیشبرد طرح های توسعه ای آنها را نیز به همراه داشته است؛ رقابت منفی بازار پول در نرخ های سود پیشنهادی، نظام تامین مالی کشور را تحت الشعاع خود قرار داده است که ضرورت نگاه فرابخشی به این موضوع و اصلاح ساختاری بانکها و بازار پول را ایجاب می کند. امید است با نگرش صحیح مدیریت فعلی بانک مرکزی شاهد تحقق این موضوع باشیم. با توجه به همبستگی بالای بازار پول و سرمایه اثرات مثبت آن در حوزه تامین مالی بازار سرمایه نیز نمایان خواهد شد (المامون^۱ و همکاران، ۲۰۲۰). توفیق در مبارزه با ممانعت از پرداخت مالیات در کشور، منوط به همکاری و هم افزا کردن اقدامات دستگاه های اجرایی ذیربط در سطح سه قوه است و با توجه به تاکیدات مقام معظم رهبری در خصوص مقابله با ممانعت از پرداخت مالیات و جرم انگاری آن، مصمم هستیم که علاوه بر یکپارچه سازی و انسجام اقدامات برای مبارزه با این پدیده شوم، مالیات هوشمند را در کشور اجرایی کنیم که یک راهکار موثر برای مقابله با ممانعت از پرداخت مالیات و یک راه حل اساسی برای تحول در نظام مالیاتی همچون کشورهای توسعه یافته به شمار می رود (خدمای پور و همکاران، ۱۴۰۱). مدرن سازی و هوشمند سازی نظام مالیاتی به این معنا است که تمامی ریزداده های مربوط به ثروت، درآمد و مصرف مودیان طبق مواد ۱۶۹ و ۱۶۹ مکرر قانون مالیات های مستقیم، از دستگاه های ذیربط اخذ و در بانک اطلاعاتی سازمان ذخیره شود. همچنین عملیاتی سازی سامانه پایانه های فروشگاهی کشور نیز بخش مهم دیگر مدرن سازی نظام مالیاتی است و در این رابطه نیز نیازمند حمایت ارکان مختلف نظام است (شهاب^۲ و همکاران، ۲۰۲۰). مالیات یک ابزار کاربردی در کشورهای توسعه یافته به شمار می رود و پروسه دریافت مالیات در صنایع مختلف این کشورها به خوبی در جریان است. منتها ظاهراً در کشور ما قوانین درجهت مبارزه با کارآفرینی برنامه ریزی شده و هیچ ارتباطی با توسعه و افزایش تولید ندارد. آن چیزی که در حال حاضر مشهود است، این است که این طرح ها و سیاست ها با نگاه درآمدی برای پوشش کمبودهای درآمدی ارگان ها و سازمان های دولتی در نظر گرفته شده است و مزیت دیگری ندارد. به اعتقاد کارشناسان بازار سرمایه ایران ابعاد مالیات به خصوص فرار مالیاتی در بازار سرمایه پیکره بیمارگونه این بازار را بیمارتر و ضعیف تر می کند. ممانعت از پرداخت مالیات باعث شده ظرفیت ذاتی که در بازار سرمایه وجود دارد و با تصمیمات غیر کارشناسی و لحظه ای این چند سال اخیر، روز به روز ضعیف تر شد را به مرحله بحران برساند. به طوری که منفعت طلبی و جاه طلبی مدیریتی در شرکتهای بورسی را به دنبال داشته است (خدمای پور و همکاران، ۱۴۰۱). متوسط میزان واقعی ممانعت از پرداخت مالیات در کشور مربوط به بازه زمانی ۱۳۹۳-۱۴۰۱ معادل ۸/۱۷ درصد متوسط درآمدهای مالیاتی دولت است. عوامل متعددی در ناکارآمدی نظام مالیاتی و افزایش حجم ممانعت از پرداخت مالیات در کشور موثر هستند که در این گزارش، به ۸ مورد آن اشاره شده است.

¹ Al Mamun

² Shahab

عدم تنوع پایه های مالیاتی و ترکیب نامناسب درآمدهای مالیاتی: بررسی ترکیب درآمدهای مالیاتی دولت گویای آن است که اشخاص حقوقی به دلیل شفافیت فعالیت های مالیاتی، بیشترین بار مالیاتی را در اقتصاد متحمل می شوند و سهم آنها در درآمدهای مالیاتی دولت، در بازه زمانی ۱۳۹۶-۱۳۸۶ به طور متوسط حدود ۸/۴۰ درصد بوده است. درحالی که با توجه به رکود حاکم بر اقتصاد کشور طی سال های اخیر انتظار می رفت درخصوص مالیات بخش های تولیدی-صنعتی بازنگری هایی صورت گیرد و در مقابل توجه سیستم مالیاتی کشور به سمت بخش های معاف از پرداخت مالیات و فعالیت هایی که به دلیل عدم شفافیت گردش مالی در دایره شمول مالیات قرار ندارند، معطوف شود. در واقع وصول مالیات در کشور بیشتر بر مالیات های سهل الوصول مانند مالیات بر اشخاص حقوقی متمرکز است و عملکرد سیستم مالیاتی کشور در اخذ مالیات از سایر پایه های مالیاتی ضعیف است. از همین رو گسترش پایه های مالیاتی به منظور کاهش فشار بر مودیان موجود، از الزامات کاهش ممانعت از پرداخت مالیات است. وجود معافیت های مالیاتی وسیع و متنوع: به دنبال وجود معافیت های وسیع و متنوع در قوانین مالیاتی کشور، درصد قابل تاملی از تولید ناخالص داخلی از پرداخت مالیات معاف است. این امر نه تنها کاهش قابل ملاحظه درآمدهای دولت را به دنبال داشته، بلکه به دلیل تحمیل فشار مالیاتی سنگین بر دوش دیگر گروه های درآمدی، منتج به ممانعت از پرداخت مالیات در کشور شده است. بنابراین اصلاح ساختار و هدفمند کردن معافیت ها، نقش کلیدی در پیشگیری از ممانعت از پرداخت مالیات دارد. تعدد، پیچیدگی و ابهام در قوانین، مقررات و فرآیندهای مالیاتی: براساس گزارش رقابت پذیری جهانی در سال ۲۰۱۸-۲۰۱۷ مولفه مقررات مالیاتی به عنوان دوازدهمین مشکل اصلی کسب و کار از نظر فعالان اقتصادی ارزیابی شده و طی ۸ سال متوالی نیز این مولفه، همواره به عنوان یکی از مشکلات اصلی پیش روی فعالان اقتصادی مطرح بوده است. همچنین نگاهی به وضعیت ایران در نماگر پرداخت مالیات بانک جهانی نیز حاکی از پیچیده بودن مقررات و رویه های مالیاتی در کشور است. براساس این شاخص، شرکت ها در ایران به طور متوسط سالانه ۲۰ بار برای پرداخت مالیات و کسورات قانونی اقدام می کنند، ۳۴۴ ساعت صرف تشکیل پرونده، آماده سازی اسناد پرداخت مالیات و کسورات قانونی کرده و در مجموع ۷/۴۴ درصد از سود سالانه خود را بابت مالیات و کسورات قانونی پرداخت می کنند. از همین رو ساده سازی قوانین، مقررات و فرآیندهای مالیاتی، ضرورتی ممانعت ناپذیر برای ممانعت از ممانعت از پرداخت مالیات است که تلاش جدی برای پیاده سازی طرح جامع مالیاتی در کشور کمک شایانی به این امر می کند. افزایش فساد و گستردگی بخش غیررسمی اقتصاد: ایران در شاخص ادراک فساد در سال ۲۰۱۷، رتبه ۳۰ را در بین ۱۸۰ کشور مورد بررسی کسب کرده و از ۱۰۰ نمره تنها ۳۰ نمره را به خود اختصاص داده است.

البته این موضوع به نظر می رسد در کشور ما به این شکل نیست و شکاف های قانونی باعث می شود ممانعت از پرداخت مالیات به شکل گسترده ای وجود داشته باشد و نظارت دقیقی بر این موضوع وجود ندارد. پژوهش حاضر از طریق ارائه دلیل رفتاری ممانعت از پرداخت مالیات شرکتها بر ایجاد امپراتوری مدیریتی در شرکتهای بورسی موجب توسعه ادبیات نظری خواهد شد. منفعت طلبی مدیریتی یکی از ویژگی های مدیریتی است که بر سوگیری منفی در انتظارات مدیریت تکیه دارد. دلیل رفتاری با دلایل نظریه نمایندگی بیان شده در مطالعات پیشین نیز، مطابقت دارد. بر اساس نظریه نمایندگی، انگیزه مدیران در نگهداری اخبار بد با دلیل فرصت طلبانه ای چون انگیزه های قدرت طلبانه یا ممانعت از پرداخت

مالیات ارتباط دارد. با توجه به تفاسیر اشاره شده فوق، مسأله اصلی و اساسی در تحقیق حاضر این است که ممانعت از پرداخت مالیات شرکتها بر ایجاد امپراتوری مدیریتی در بازار سرمایه ایران چه تأثیری دارد؟

پیشینه تحقیق

ممانعت از پرداخت مالیات در ایران نه یک اقدام زشت و جرم که از نظر کسانی که مالیات پرداخت نمی کنند، یک زرنگی است! چه اینکه برآوردهای دولتی نشان می دهد که حجم ممانعت از پرداخت مالیات در ایران یک چهارم تولید ناخالص داخلی و ۴۰ درصد از فعالیت های اقتصادی هم از اساس معاف از مالیات است. با این حساب دولت برای تأمین پول جهت دخل و خرج روزانه تنها از ۴۰ درصد حقوق بگیران و فعالان اقتصادی شناسنامه دار مالیات می گیرد و پاره بودن تور مالیاتی باعث شده تا بهترین راه کسب و کار در زیرزمین اقتصاد ایران باشد. ترمیم تور مالیات بگیري و به کار گرفتن تور بزرگ تر برای به دام انداختن دانه درشت های اقتصاد ایران یکی از وعده های دولت است و مجلس هم امیدوار. تا آنجا که براساس برنامه ریزی های انجام شده امکان مدیریت ۶۰ تا ۷۰ درصد ممانعت از پرداخت مالیات را خواهیم داشت. حالا باید منتظر ماند و دید وعده وزیر اقتصاد و معاون مالیاتی اش تا چه میزان باعث شناسایی مالیات گریزان و دریافت خراج دولتی از آنها خواهد شد (بنی مهد و چناری، ۱۳۹۸). براساس مطالعات انجام شده حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد تولید ناخالص داخلی شرکتهای بورسی از پرداخت مالیات فرار می کنند که اگر این منابع را براساس قیمت جاری محاسبه کنیم، معادل ۲۵۰ هزار میلیارد تومان ممانعت از پرداخت مالیات داریم. لذا ممانعت از پرداخت مالیات در ایران حجم بسیار بالایی است و کشور باید در این زمینه به صورت جدی تر عمل کند.

خدمای پور و همکاران (۱۴۰۱) در تحقیقی تحت عنوان بررسی تأثیر توانایی مدیریتی بر رابطه بین ممانعت از پرداخت مالیات و کارایی سرمایه گذاری ضمن تشریح و تبیین متغیرهای تحقیق با استفاده از داده های پانلی و تحلیل رگرسیون سری زمانی با تبیین حدود اثرگذاری بین متغیرها به این نتیجه رسیدند که بر خلاف انتظار عمومی با افزایش ممانعت از پرداخت مالیات، در سطح توانایی مدیریتی پائین، کارایی سرمایه گذاری کاهش نمی یابد، در حالی که در سطح توانایی مدیریتی بالا انتظار موجود مبنی بر تأثیرپذیری مثبت کارایی سرمایه گذاری از افزایش ممانعت از پرداخت مالیات تایید می شود. کاویانی فرد و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیقی تحت عنوان تأثیر مؤلفه های قدرت مدیرعامل بر سیاست های کاهش مالیات ضمن تشریح و تبیین متغیرهای تحقیق با استفاده از داده های پانلی و تحلیل رگرسیون سری زمانی با تبیین حدود اثرگذاری بین متغیرها به این نتیجه رسیدند که قدرت مدیرعامل تأثیر منفی و معناداری بر مدیریت مالیاتی با استفاده از معیارهای «عدم تنوع پایه های مالیاتی و ترکیب نامناسب درآمدهای مالیاتی»، «وجود معافیت های مالیاتی وسیع و متنوع»، «تعدد، پیچیدگی و ابهام در قوانین، مقررات و فرآیندهای مالیاتی»، «افزایش فساد و گستردگی بخش غیررسمی اقتصاد»، «عدم اعتماد مردم به کارآیی و اثربخشی دولت»، «فرهنگ مالیاتی ضعیف»، «فقدان نظام جامع اطلاعات مالیاتی» و «مشکلات ساختار اقتصاد» دارد. کاشی (۱۳۹۹) در تحقیقی تحت عنوان بررسی رابطه بین قدرت مدیرعامل و خطر سقوط قیمت سهام با تأکید بر نقش تعدیلگر ساختار مالکیت و مدیران زن در هیئت مدیره ضمن تشریح و تبیین متغیرهای تحقیق با استفاده از داده های پانلی و تحلیل رگرسیون سری زمانی با تبیین حدود اثرگذاری بین متغیرها به این نتیجه رسیدند که بین قدرت مدیرعامل و خطر سقوط قیمت سهام رابطه معناداری وجود دارد.



همچنین حضور مدیران زن در هیئت مدیره بر رابطه بین قدرت مدیرعامل و خطر سقوط قیمت سهام تأثیر معناداری دارد. اما مالکیت متمرکز و مالکیت نهادی بر رابطه قدرت مدیرعامل و خطر سقوط قیمت سهام تأثیر معناداری ندارد.

شمس و همکاران (۲۰۲۲) در تحقیقی تحت عنوان آیا ممانعت از پرداخت مالیات شرکت ها باعث منفعت طلبی مدیریتی مدیریتی می شود؟ ضمن تشریح و تبیین متغیرهای تحقیق با استفاده از داده های پانلی و تحلیل رگرسیون سری زمانی با تبیین حدود اثرگذاری بین متغیرها به این نتیجه رسیدند که رابطه ممانعت از پرداخت مالیات شرکت با منفعت طلبی مدیریتی در شرکت هایی با حاکمیت ضعیف، مکانیسم های نظارت ضعیف، قدرت بیشتر مدیر ارشد اجرایی (مدیرعامل) و عملکرد ضعیف مسئولیت اجتماعی شرکتی آشکارتر است. همچنین نتایج نشان داد ممانعت از پرداخت مالیات با انگیزه منفعت طلبی منجر به کاهش ارزش شرکت می شود. ال مامون و همکاران (۲۰۲۰) در تحقیقی تحت عنوان مدیر عامل قدرتمند و ریسک سقوط قیمت سهام ضمن تشریح و تبیین متغیرهای تحقیق با استفاده از داده های پانلی و تحلیل رگرسیون سری زمانی با تبیین حدود اثرگذاری بین متغیرها به این نتیجه رسیدند که قدرت مدیر عامل از مدیریت سود و بیش اعتمادی و ممانعت مالیاتی تأثیر معناداری بر ریسک سقوط قیمت سهام دارد. هارپر و همکاران (۲۰۲۰) در تحقیقی تحت عنوان ریسک سقوط قیمت سهام و قدرت مدیر عامل اجرایی ضمن تشریح و تبیین متغیرهای تحقیق با استفاده از داده های پانلی و تحلیل رگرسیون سری زمانی با تبیین حدود اثرگذاری بین متغیرها به این نتیجه رسیدند تأثیر منفی ریسک سقوط قیمت سهام بر قدرت مدیرعامل در شرکت های دارای حاکمیت شرکتی قویتر، کمتر است.

روش تحقیق

این تحقیق از منظر هدف، از نوع تحقیقات کاربردی؛ از منظر نوع، از نوع تحقیقات توصیفی – همبستگی از نوع میدانی محسوب می شود. همچنین از منظر زمان این تحقیق از نوع تحقیقات پس رویدادی می باشد.

$$\text{EMPIRE BUILD}_{i,t} = b_0 + b_1 \text{TAX AVOID}_{i,t} + b_2 \text{CASH}_{i,t} + b_3 \text{LEVI}_{i,t} + b_4 \text{ROAI}_{i,t} + b_5 \text{SIZE}_{i,t} + b_6 \text{MBI}_{i,t} + b_7 \text{SGROWTH}_{i,t} + b_8 \text{FAGE}_{i,t} + b_9 \text{INSTOWN}_{i,t} + b_{10} \text{MABILITY}_{i,t} + e_{i,t}$$

متغیرهای تحقیق شامل:

ممانعت از پرداخت مالیات: برای محاسبه متغیر ممانعت از پرداخت مالیات در این تحقیق به عنوان متغیر مستقل مطابق تحقیق شهاب و همکاران (۲۰۲۰) از نماد Tax-Avoid از الگوی کلی تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی بهره گرفته می شود.

ایجاد امپراتوری مدیریتی: در این پژوهش همانند شمس و همکاران (۲۰۲۲) از مدل لن و پلسن (۱۹۸۸) برای تعیین ایجاد امپراتوری مدیریتی همانند معادله زیر استفاده می شود.

$$(A_{it} - CS_{div_{it}}) / -PS_{div_{it}} - Intexp_{it} - Tax_{it} (INC_{it}) = FCF_{it}$$

FCF_{it} : جریان های نقد آزاد شرکت i در سال t

INC_{it} : سود عملیاتی قبل از استهلاك شرکت i در سال t

Tax_{it} : کل مالیات پرداختی شرکت i در سال t

$Intexp_{it}$: هزینه بهره ی پرداختی شرکت i در سال t

$PSdiv_{it}$: سود سهامداران ممتاز پرداختی شرکت i در سال t

$CSdiv_{it}$: سود سهامداران عادی پرداختی شرکت i در سال t

A_{it} : کل ارزش دفتری دارایی های شرکت i در سال t

متغیرهای کنترل

$Size$: اندازه شرکت که از لگاریتم طبیعی داراییهای شرکت بدست می آید.

LEV : نسبت اهرمی یا نسبت بدهی شرکت که از نسبت بدهی به داراییهای شرکت بدست می آید.

ROA : نرخ بازده داراییهای شرکت که از نسبت سود خالص بر کل داراییهای بدست می آید.

MB : نسبت مجموع ارزش بازار حقوق صاحبان به ارزش دفتری دارایی های شرکت

$SGROWTH$: نسبت تغییرات نرخ فروش که از نسبت میزان فروش سال t نسبت به سال $t-1$ بدست می آید.

$FAGE$: سن شرکت که از لگاریتم سال ورود به بورس تا بازه تحقیق بدست می آید.

$INSTOWN$: میزان رشد صنعت که برابر با نرخ رشد صنعت در سال t نسبت به سال $t-1$

$MABILITY$: برای سنجش توانایی مدیریتی، از رابطه زیر مطابق مدل دمیرجیان و همکاران (۲۰۱۳) استفاده می شود:

$$Firmefficiency_i = \alpha_0 + \alpha_1 \ln(totalassets)_i + \alpha_2 MarketShare_i + \alpha_3 FreeCashFlowIndicator_i + \alpha_4 \ln(Age)_i + \alpha_5 BusinessSegmentConcentration_i + \alpha_6 ForeignCurrencyIndicator_i + Year_i + \varepsilon_{it}$$

که در آن:

$Firm\ efficiency_{it}$: امتیاز کارایی شرکت i در سال t که از طریق تحلیل پوششی داده ها محاسبه شده است.

$Total\ assets_{it}$: بیانگر جمع دارایی های شرکت i در سال t است.

$Market\ Share_{it}$: بیانگر سهم از بازار شرکت i در سال t بوده است.

$Free\ Crash\ Flow_{it}$: بیانگر خالص جریانهای نقدی آزاد شرکت i در سال t بوده است.

Age_{it} : بیانگر سن شرکت i در سال t است.

$Business\ S.C_{it}$: بهای تمام شده کالای فروش رفته برای شرکت i در سال t است.

یافته ها

فرضیه تحقیق عبارتست از:

۱. ممانعت از پرداخت مالیات شرکتها بر ایجاد امپراتوری مدیریتی در بازار سرمایه ایران تأثیر دارد.

پیش فرضهای این آزمون عبارتند از:

H₀: ممانعت از پرداخت مالیات شرکتها بر ایجاد امپراتوری مدیریتی در بازار سرمایه ایران تأثیر ندارد.

H₁: ممانعت از پرداخت مالیات شرکتها بر ایجاد امپراتوری مدیریتی در بازار سرمایه ایران تأثیر دارد.

به منظور آزمون فرضیه تحقیق از روش تحلیل رگرسیون چندگانه بهره گرفته شده و نتیجه در جدول ۱ آورده شده است.

جدول (۱): آزمون فرضیه تحقیق

متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	احتمال
TAX AVOID	۰.۷۵۸۴	۰.۰۹۸۷	۷.۶۸۳۸	۰.۰۰۰۰
LEV	-۰.۸۴۷۸	۰.۰۹۰۷	-۹.۳۴۷۳	۰.۰۰۰۰
ROA	۰.۸۲۵۰	۰.۰۳۴۱	۲۴.۱۹۳۵	۰.۰۰۰۰
SIZE	۰.۷۴۸۶	۰.۱۰۲۱	۷.۳۳۲۰	۰.۰۰۰۰
MB	۰.۳۰۵۸	۰.۰۹۹۵	۳.۰۷۳۳۶	۰.۰۰۰۹
SGROWTH	۰.۵۹۸۷	۰.۰۷۴۶	۸.۰۲۵۴۶	۰.۰۰۰۰
FAGE	۰.۷۶۹۸	۰.۰۵۳۷	۱۴.۳۳۵۲	۰.۰۰۰۰
INSTOWN	۰.۵۸۹۹	۰.۰۹۷۱	۶.۰۷۵۱	۰.۰۰۰۰
MABILITY	۰.۷۶۹۸	۰.۱۱۱۴	۶.۹۱۰۲	۰.۰۰۰۰
ضریب تعیین	۰.۹۰۱۱	آماره دوربین واتسون		۱.۹۴۲۱
ضریب تعیین تعدیل شده	۰.۸۹۶۹			
آماره F	۷۹.۶۶۶۸			
سطح احتمال آزمون F	۰.۰۰۰۰			

مطابق اطلاعات مندرج در جدول ۱ مقدار احتمال یا سطح معناداری ممانعت از پرداخت مالیات شرکتها چون کمتر از ۰/۰۵ (سطح خطا در قابلیت اطمینان ۹۵٪) است و همچنین با توجه به مقدار آماره t (به دلیل قرار نگرفتن در بازه ۱/۹۶+ و ۱/۹۶- (یا همان مقادیر بحرانی در سطح اطمینان ۹۵٪) بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود. این امر به این معنی است که ممانعت از پرداخت مالیات شرکتها بر ایجاد امپراتوری مدیریتی در بازار سرمایه

ایران تأثیر دارد (با توجه به این که مقدار ضریب بین ۰ و ۱+ قرار گرفته نشان می دهد این رابه بصورت مثبت و مستقیم است). مقدار آماره دوربین واتسون ۱/۹۴۲ می باشد که این مقدار، عدم وجود خود همبستگی را نشان می دهد. در نهایت با توجه به سطح معناداری آزمون F که ۰/۰۰۰ بدست آمده (چون این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است) نشان می دهد که پراکندگی داده ها نسبت به خط رگرسیون دارای پراکندگی منطقی می باشد. در نهایت با توجه به ضریب تأثیر بدست آمده (۰.۹۰۱۱) نشان می دهد ممانعت از پرداخت مالیات شرکتها بر ایجاد امپراتوری مدیریتی در بازار سرمایه ایران تأثیر ۹۰.۱۱ درصدی دارد.

همچنین در خصوص متغیرهای کنترلی مقدار آماره t بدست آمده برای متغیرهای اندازه شرکت، نسبت اهرمی، نرخ بازده دارائیهای شرکت، نسب سودآوری شرکت، نسبت تغییرات نرخ فروش شرکت، سن شرکت و میزان رشد صنعت به دلیل قرار نگرفتن در بازه ۱/۹۶+ و ۱/۹۶- (یا همان مقادیر بحرانی در سطح اطمینان ۰.۹۵) و همچنین مقدار سطح احتمال کمتر از ۰.۰۵ برای هر متغیر، بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود. این امر به این معنی است که:

- اندازه شرکت بر ایجاد امپراتوری مدیریتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد که با توجه به مقدار ضریب ۰.۷۴۸۶ که بین بازه ۰ و ۱+ قرار گرفته این اثرگذاری در جهت مستقیم است.
- نسب اهرمی شرکت بر ایجاد امپراتوری مدیریتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد که با توجه به مقدار ضریب ۰.۸۴۷۸ که بین بازه ۰ و ۱- قرار گرفته این اثرگذاری در جهت معکوس است.
- نرخ بازده دارائیهای شرکت بر ایجاد امپراتوری مدیریتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد که با توجه به مقدار ضریب ۰.۸۲۵۰ که بین بازه ۰ و ۱+ قرار گرفته این اثرگذاری در جهت مستقیم است.
- نسب سودآوری شرکت بر ایجاد امپراتوری مدیریتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد که با توجه به مقدار ضریب ۰.۳۰۵۸ که بین بازه ۰ و ۱+ قرار گرفته این اثرگذاری در جهت مستقیم است.
- نسبت تغییرات نرخ فروش شرکت بر ایجاد امپراتوری مدیریتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد که با توجه به مقدار ضریب ۰.۵۹۸۷ که بین بازه ۰ و ۱+ قرار گرفته این اثرگذاری در جهت مستقیم است.
- سن شرکت بر ایجاد امپراتوری مدیریتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد که با توجه به مقدار ضریب ۰.۷۶۹۸ که بین بازه ۰ و ۱+ قرار گرفته این اثرگذاری در جهت مستقیم است.
- میزان رشد صنعت بر ایجاد امپراتوری مدیریتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد که با توجه به مقدار ضریب ۰.۵۸۹۹ که بین بازه ۰ و ۱+ قرار گرفته این اثرگذاری در جهت مستقیم است.
- توانایی مدیران بر ایجاد امپراتوری مدیریتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد که با توجه به مقدار ضریب ۰.۷۶۹۸ که بین بازه ۰ و ۱+ قرار گرفته این اثرگذاری در جهت مستقیم است.

بحث و نتیجه گیری

مدیران شرکت ها تلاش می کنند با کاهش نرخ مؤثر مالیات در بلندمدت، مدیریت مالیاتی انجام دهند. اگر مدیران با مجموعه اقدامات خود در بلندمدت، نرخ مؤثر مالیاتی را کاهش دهند، درواقع با دستیابی به هدف پرداخت کمتر مالیات، مدیریت مالیاتی انجام داده اند. مدیریت مالیاتی مؤثر در فرایند تصمیم گیری شرکتی که در راستای بیشینه سازی بازده پس از مالیات است، رویکرد چندجانبه دارد. ممانعت مالیاتی، ممانعت از پرداخت مالیات و راهکار جسورانه مالیاتی سازه های اصلی چارچوب مدیریت مالیاتی محسوب می شوند. تمام سازه های مفهومی اصلی شامل ممانعت مالیاتی، ممانعت از پرداخت مالیات و راهکار جسورانه مالیاتی در راستای کاهش مالیات پرداختی هستند که البته از لحاظ التزام ظاهری به قوانین و انطباق با روح قوانین متفاوتند. شرکت ها با توجه به وضعیت موجود ممکن است برای کاهش مالیات از ممانعت مالیاتی، ممانعت از پرداخت مالیات، راهکار جسورانه مالیاتی و غیره استفاده کنند. در این پژوهش از ممانعت مالیاتی، ممانعت از پرداخت مالیات و راهکار جسورانه مالیاتی به عنوان ابزارهای کاهش مالیات و معیارهای مدیریت مالیاتی استفاده می شود. از دیدگاه نظری منظور از ممانعت مالیاتی، تلاش برای کاهش مالیات های پرداختی است. ممانعت از پرداخت مالیات نوعی تخلف قانونی اما ممانعت از مالیات، درواقع نوعی استفاده از خلأهای قانونی در قوانین مالیاتی برای کاهش مالیات است؛ بنابراین از آنجا که ممانعت مالیاتی، فعالیتی به ظاهر قانونی است به نظر می رسد بیشتر از ممانعت از پرداخت مالیات در معرض دید باشد و چون ممانعت مالیاتی در محدوده معینی برای استفاده از مزایای مالیاتی است، به طور عمده قوانین محدودکننده ای در زمینه کنترل آن وجود ندارد. یکی دیگر از راه های مدیریت مالیاتی راهکار جسورانه مالیاتی است. بارون و ماکتی (۲۰۰۹) بیان می کنند راهکار جسورانه مالیاتی مجموعه ای از اقدامات شرکت ها برای کاهش بدهی های عمومی خود از طریق شکل دهی و تأثیرگذاری بر راهکار مالی است. راهکار جسورانه مالیاتی نشان دهنده فعالیت های مختلف مدیریتی برای کاهش درآمد مشمول مالیات است که ممکن است قانونی یا غیرقانونی باشد. در این مرحله بر این نکته تأکید می شود که راهکار جسورانه مالیاتی، راهکاری است که مدیران آن را به وجود می آورند و مجموعه ای از فرایندها، شیوه ها، منابع و انتخاب هایی است که هدف آن بیشینه سازی سود شرکت پس از تمام بدهی های شرکت به دولت و سهام داران دیگر است. به طور خاص راهکار جسورانه مالیاتی فقط کاهش بدهی مالیاتی نیست، بلکه پیاده سازی چنین راهکارهایی برای کاهش مالیات، هزینه های بالقوه غیرعملیاتی ناشی از تضاد نمایندگی را به وجود می آورد. بدین ترتیب، راهکار جسورانه مالیاتی فعالیت بسیار خاص و پیچیده ای است؛ زیرا همیشه با معاملات اقتصادی بی نظمی احاطه شده که ابتدا مدیران آن را سازمان دهی کرده اند و هدف آن کاهش درآمد مالیات شرکت ها و در نتیجه افزایش سود خالص است. راهکار جسورانه مالیاتی نسبت به ممانعت از پرداخت مالیات، قانونی تر به نظر می رسد؛ درحالی که در مقایسه با ممانعت مالیاتی، التزام ظاهری آن به قوانین کمتر است. همچنین به لحاظ انطباق با روح قوانین، انطباق کمتری نسبت به ممانعت مالیاتی و انطباق بیشتری نسبت به ممانعت از پرداخت مالیات دارد. مطالعاتی از جمله پژوهش دسای و دارماپالا (۲۰۲۰) نشان می دهند پیچیدگی فعالیت های راهکار جسورانه مالیاتی درعمل کشف آن را با دشواری روبه رو می کند و درواقع مهم ترین هدف، افزایش سود خالص پس از مالیات است که یک سیگنال مثبت برای سرمایه گذاران بیرونی ایجاد می کند. این مفهوم بدین معنی است که راهکار جسورانه مالیاتی، ممانعت مالیات و پناهگاه های مالیاتی را در نظر می گیرد که از لحاظ قانونی و اخلاقی، مقامات مالیاتی آنها را ایجاد کرده اند. از سویی با مروری بر

تحقیقات پیشین در خصوص این متغیرها نمایان می شود که نتایج تحقیق حاضر مشابه و همسو با نتایج تحقیق شمس و همکاران (۲۰۲۲) می باشد که رابطه این متغیرها را در تحقیق خود به اثبات رسانده اند.

نتایج تحلیل ها نشان داد ممانعت از پرداخت مالیات شرکتها بر ایجاد امپراتوری مدیریتی در بازار سرمایه ایران تأثیر دارد لذا در این خصوص به سازمان بورس به عنوان متولی و سیاستگذار مجموعه بورس پیشنهاد می شود شرکتها را ملزم نمایند سیستم کنترل داخلی و مکانیزمهای بنیادین آن همچون اینترنت اشیاء و سایر الگوریتمهای مناسب را در فرایندهای اداری و محاسباتی خود لحاظ نمایند. پیشنهاد می شود سازمان امور مالیاتی رهنمودها و یا آیین نامه های اخلاق حرفه ای را طوری تدوین کنند که به طور اختصاصی رابطه ابعاد قدرت مدیرعامل را با هریک از فعالیت های مدیریت مالیاتی از قانونی (ممانعت از پرداخت مالیات) گرفته تا غیرقانونی (فرار و راهکار جسورانه مالیاتی) تبیین سازد تا مأموران مالیاتی هنگام رسیدگی به آن توجه ویژه داشته باشند، یا حسابرسان، کاربرگی برای ارزیابی قدرت مدیرعامل طراحی کنند و این کاربرگ را ضمن درج در پرونده دایمی به کاربرگ رسیدگی به مالیات های شرکت ارتباط دهند. همچنین توصیه می شود سازمان امور مالیاتی با تدوین و اجرای قوانین مالیاتی مناسب با افزایش تعداد نیروی انسانی در اداره دارایی متناسب با تعداد زیاد شرکتها و آموزش کافی به کارکنان و مدیریت کارآمد بخش وصول مالیات با مسائل مربوط به مدیریت مالیاتی مقابله کنند.

منابع

۱. احمدی، محمدرضان، درسه، سیدصابر. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر معیارهای راهبری شرکتی بر خطر سقوط آتی قیمت سهام در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهشهای حسابداری مالی، ۸(۳)، ۴۲-۱۹.
۲. احمدی، محمدرضان، قلمبر، محمد حسین، درسه، سید صابر. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر معیارهای اعتماد بیش از حد مدیران ارشد بر خطر سقوط آتی قیمت سهام در شرکتهای پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران. پژوهشهای حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۱(۴۱)، ۹۳-۱۲۴.
۳. انوشیروانی، فرزانه، ساعدی، رحمان. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین قدرت مدیر عامل و ارزش شرکت با نقش تعاملی رقابت بازار و حاکمیت شرکتی. پژوهشنامه مدیریت اجرایی، ۱۰(۲۰)، ۱۷۳-۱۴۷.
۴. ایزی، سمیه و معصومی، جواد. (۱۳۹۶). قدرت مدیران اجرایی و ریسک سقوط قیمت سهام، کنفرانس ملی تحقیقات علمی جهان در مدیریت، حسابداری، حقوق و علوم اجتماعی، شیراز.
۵. بزرگاصل، موسی و بیستون صالحزاده. (۱۳۹۳). «توانایی مدیریت و کیفیت اقلام تعهدی». مجله دانش حسابداری، ۵(۱۷)، ۱۴۰-۱۱۹.
۶. خدای پور، احمد، رحیمی، علیرضا و فروغی، عارف. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر توانایی مدیریتی بر رابطه بین ممانعت از پرداخت مالیات و کارایی سرمایه گذاری. راهبرد مدیریت مالی، ۸(۴)، ۱۳۴-۱۱۱.
۷. کاویانی فرد، هاشم، خواجوی، شکراله و عوض زاده فتح، فریبرز. (۱۳۹۹). تأثیر مؤلفه های قدرت مدیرعامل بر سیاست های کاهش مالیات. پژوهش های حسابداری مالی، ۱۲(۲)، ۷۰-۴۷.
۸. کاشی، حدیث. (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین قدرت مدیرعامل و خطر سقوط قیمت سهام با تأکید بر نقش تعدیلگر ساختار مالکیت و مدیران زن در هیئت مدیره. فصلنامه علمی تخصصی رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۴(۳۲)، ۱۱۸-۱۳۹.



۹. کعب عمیر، احمد و نامی، سپیده. (۱۳۹۶). بررسی تاثیر قدرت مدیرعامل بر خطر سقوط قیمت سهام در بورس اوراق

بهادار تهران، پنجمین کنفرانس بین المللی اقتصاد در شرایط تحریم، بابلسر.

10. Al Mamun, M., Balachandran, B., & Duong, H. N. (2020). Powerful CEOs and stock price crash risk. *Journal of Corporate Finance*, 62, [101582]. <https://doi.org/10.1016/j.jcorpfin.2020.101582>.
11. Demerijian, P; Lewis, M; Lev, B; and McVay, S. (2012). "Managerial ability and earning quality", *The Accounting Review* 88, pp 463-498.
12. Fallah, R; and Saber Rahimi. (2015). "The study of impact the management ability on the performance of the listed companies in Tehran stock exchange", *Journal of Scientific Research and Development* 2 (7): 108-112.
13. Francis, B; Xian Sun, B; and Qiang Wu. (2014). "Managerial ability and Tax avoidance", the journal of American Accounting association.
14. Harper, Joel & Johnson, Grace & Sun, Li, (2020). "Stock price crash risk and CEO power: Firm-level analysis," *Research in International Business and Finance*, 51(2).
15. Kim, J. B; Wang, Z; and Liandong Zhang. (2015). "CEO Overconfidence and Stock Price Crash Risk", Availble At URL: [Http://Www.Ssrn.Com](http://www.Ssrn.Com).
16. Kothari, S. P; Shu, S; & Wysocki, P. D. (2009). "Do managers withhold bad news?", *Journal of Accounting Research*, 47, pp 241-276.
17. Sales, J; Baybordi, A; Aydenlu, M; and Niloofar Asaldoost. (2015). "Measuring the effect of managerial ability on earning quality", *Management Science Letters* 5, pp 821-826.
18. Shahab, Y., Ntim, C.G., Ullah, F., Yugang, C., & Ye, Z. (2020). CEO power and stock price crash risk in China: Do female directors' critical mass and ownership structure matter? *International Review of Financial Analysis*, Forthcoming.
19. Shams, S., Sudipta, B., Abeyratna, A. (2022). Does corporate tax avoidance promote managerial empire building?. *Journal of Contemporary Accounting and Economics* 18 (2022) 100293.